

داستان چگونه کار می کند؟

جیمز وود

ترجمه

محمود خوش چهره



نشر ایش

۱۴۰۲



- سرشناسه: وود، جیمز، ۱۹۶۵م - Wood, James - 1965
عنوان و نام پدیدآور: داستان چگونه کار می‌کند؟ جیمز وود؛ ترجمه محمود خوش‌چهره؛ ویراستار علیرضا اسدی‌مقدم.
مشخصات نشر: تهران: نشر اریش، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۲۴۲ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۱۲-۶۵-۱
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: How fiction works, 2008.
یادداشت: کتاب حاضر با عنوان "رمز و راز داستان" با ترجمه لیلی موحد توسط انتشارات اختر در سال ۱۳۹۸ ترجمه و منتشر شده است.
یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۴۶ - ۲۵۰.
موضوع: داستان‌نویسی، Fiction – Authorship، داستان -- تاریخ و نقد، Fiction -- History and criticism
شناسه افزوده: خوش‌چهره، محمود، ۱۳۳۰، مترجم
رده‌بندی کنگره: PN۳۳۵۵
رده‌بندی دیویی: ۳/۸۰۸
شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۹۱۴۱۸



نشر اریش

داستان چگونه کار می کند؟ جیمز وود

مترجم: محمود خوش چهره

ویراستار: علیرضا اسدی مقدم

نمونه خوان: زهرا تقی زاده

نقاشی روی جلد: پروانه سلیمانی

گرافیکست: بابک زبان فهم

صفحه آرا: امید مقدس

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: قشقای

چاپ نخست: ۱۴۰۲

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۱۲-۶۵-۱

بها: ۱۸۰ هزار تومان

این اثر تحت حمایت قانون مؤلفان و مصنفان قرار دارد. هرگونه کپی برداری از کتاب به هر شکل بدون اجازه کتبی ناشر پیگرد قانونی دارد. کلیه حقوق کتاب متعلق به ناشر است.

www.arishpublication.com

arishpublication@gmail.com



@arishpublication



@arishpub

فهرست مطالب

دیاچه	۹
پیش درآمد	۱۲
روایتگری	۱۴
فلویر و روایت مدرن	۴۶
فلویر و ظهور پرسه زن	۵۴
جزئیات	۶۵
شخصیت	۹۷
تاریخ مختصر آگاهی	۱۳۶
همدلی و پیچیدگی	۱۶۳
زبان	۱۷۳
دیالوگ	۲۰۲
حقیقت، قرارداد، رنالیسم	۲۱۰
اعلام	۲۳۲
کتابشناسی	۲۳۹

دیباچه

در سال ۱۸۵۷، جان راسکین کتاب کوچکی به نام عناصر طراحی نوشت. کتابی دربارهٔ الفبای نقاشی، که می‌خواهد از طریق نگاه منتقد به کنش خلاقیت، به نقاش در حال کار نگرندهٔ کنجکاو و عاشق عادی هنر کمک کند. راسکین اصرار دارد که خوانندهٔ نقاش به طبیعت نگاه کنند؛ به عنوان مثال، به یک برگ نگاه و سپس آن را با مداد کپی کنند. او طرح خود از یک برگ را ضمیمه می‌کند و بعد از برگ به سراغ نقاشی تینتورتو می‌رود. راسکین می‌گوید: به ضربه‌های قلم‌مو نگاه کنید! ببینید او چگونه دست‌ها را می‌کشد و چگونه بر سایه‌ها دقیق می‌شود.

راسکین خوانندگان خود را گام به گام از میان فرایند خلاقیت می‌گذراند. او خود یک هنرمند چیره‌دست بود، اما از استعدادی شگرف برخوردار نبود. اعتبار و نفوذ او از تکنیک به عنوان یک طراح نمی‌آید، بلکه از یک سو حاصل آن چیزی است که چشم او به خوبی دیده و از سوی دیگر برخاسته از توانایی وی در تبدیل بینش و ژرف‌بینی‌اش به نثر است. تعجب‌آور است که کتاب‌هایی نظیر کتاب راسکین دربارهٔ داستان بس نادرند. جنبه‌های رمان‌ای ام‌فورستر که در سال ۱۹۲۷ منتشر شد، به دلایل خوبی، جایگاه

یک سنجه^۱ را دارد، اما حالا غیردقیق به نظر می‌آید.

من هر سه کتاب میلان کوندرا درباره هنر داستان را تحسین می‌کنم، اما کوندرا بیشتر یک رمان‌نویس و مقاله‌نویس است تا یک منتقد در حال کار و ما گهگاه دوست داریم که دست‌هایش کمی با متن جوهری‌تر شود.

دو منتقد رمان محبوب من در قرن بیستم ویکتور اشکلوفسکی، فرمالیست روس و رولان بارت، منتقد فرمالیست-ساختارگرای فرانسوی هستند. هر دو منتقدان بزرگی بودند. آنها به این دلیل که فرمالیست بودند، مانند نویسندگان فکر می‌کردند؛ یعنی به سبک، واژه‌ها، فرم و تصویرپردازی نظر داشتند، اما بارت و اشکلوفسکی مانند نویسندگانی فکر می‌کردند که از فرایند خلاقیت به دور افتاده‌اند. آنها همچون بانکداران اختلاس‌گر، سرچشمه‌ای را که از آن ارتزاق می‌کردند، یعنی سبک ادبی را، بارها و بارها هدف تهاجم خود قرار می‌دادند. شاید آنها به‌خاطر این دورافتادگی و این شور تهاجمی به نتایجی درباره رمان رسیدند که از نظر من جالب اما لجبازانه است.

این کتاب جدل بی‌وقفه‌ای را با آنها پی می‌گیرد. آنها هر دو متخصص هستند و در نهایت برای متخصصان نقد ادبی می‌نویسند؛ بارت به‌ویژه به شیوه‌ای می‌نویسد که انتظار ندارد یک خواننده عادی بتواند آن را بخواند و بفهمد (حتی اگر آن خواننده در حال فراگیری تخصص نقد ادبی باشد).

من در این کتاب خواهم کوشید که به پرسش‌های اساسی درباره هنر داستان پاسخ دهم. آیا رئالیسم واقعیت است؟ ما چگونه یک استعاره موفق را تعریف می‌کنیم؟ شخصیت چیست؟ چه موقع ما استفاده درخشان از

۱. سنجه را در اینجا معادل canonical به کار برده‌ام. canon در اصل به معنای اصول جز می‌کلیسای کاتولیک، فهرست کتب مقدس و یا آثار معتبر یک نویسنده است. این واژه در حیطه ادبیات به مجموعه شاهکارهای ادبی اطلاق می‌شود که سنت ادبی را شکل می‌دهند و از این رو معیارهای سنجش یک اثر تازه را فراهم می‌آورند - مترجم.

جزئیات در داستان را تشخیص می‌دهیم؟ زاویه دید چیست و چگونه کار می‌کند؟ همدلی تخیل‌آمیز چیست؟ و چرا داستان بر ما اثر می‌گذارد؟ این‌ها پرسش‌هایی دیرینه هستند و برخی از آنها به واسطه نقد آکادمیک و نظریه ادبی در نوشته‌های سال‌های اخیر احیا شده‌اند، اما مطمئن نیستم که نقد آکادمیک و نظریه ادبی پاسخ‌های چندان درخوری به آنها داده باشند؛ بنابراین، امیدوارم این کتاب بتواند پرسش‌های نظری را طرح کند، اما پاسخ‌های عملی به آنها بدهد؛ به عبارت دیگر، پرسش‌های یک منتقد را طرح کند و پاسخ‌های یک نویسنده را به آنها بدهد.

اگر این کتاب بحث وسیع‌تری داشته باشد، چکیده‌اش این است که داستان هم صناعت است و هم راست‌نمایی^۱ و به هیچ روی دشوار نیست که این دو امکان را در کنار هم نگه داشت. به همین دلیل کوشیده‌ام مفصل‌ترین توضیحات را درباره تکنیک این هنر، اینکه داستان چگونه کار می‌کند، ارائه بدهم تا بتوانم به همان گونه که واسکین می‌خواست اثر تینتورتورا با چگونگی نگاه ما به یک برگ پیوند دهد، تکنیک را با جهان پیوند دهم.

در نتیجه، فصل‌های این کتاب درهم تنیده هستند، زیرا تمامی آنها با همان نگرش زیبایی‌شناسانه برانگیخته شده‌اند: هنگامی که درباره گفتار غیرمستقیم آزاد حرف می‌زنم، درواقع درباره واقعیت حرف می‌زنم و هنگامی که از زاویه دید می‌گویم، درواقع درباره مشاهده جزئیات حرف می‌زنم و هنگامی که از جزئیات سخن می‌رانم، درباره شخصیت حرف می‌زنم و هنگامی که درباره شخصیت حرف می‌زنم، از واقعیتی می‌گویم که در عمق پژوهش‌هایم است.